یادداشت

درباره سینمای انیمیشن در ایران

انیمیشن فقط کارتون نیست!

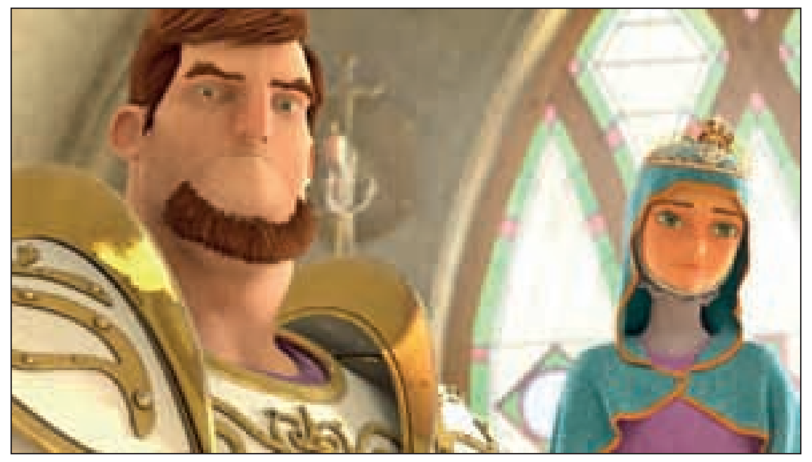

سیدرضا صائمی

صنعت سینما با مولفه‌هایش از هنر نمایش گرفته تا تصویر و ابعاد آن، گستره متنوع و عظیمی است که انواع قالب‌های هنری در آن شکل می‌گیرد اما همه آنها به یک اندازه شناخته نمی‌شود یا به یک اندازه وزن ندارد. این لزوما به معنای ارزش و اعتبار ذاتی آنها نیست بلکه در خوانش مخاطب و شناخت و درک او نسبت به انواع قالب‌های هنری دچار اعتبار یا بی‌اعتباری می‌شود. گاهی عدم شناخت یا درک و تصویر غلط درباره هنرهای تصویری موجب می‌شود برخی از نمونه‌های آن مهجور مانده و از قابلیت‌های آن به‌درستی استفاده نشود. شاید در این میان دو نمونه فیلم مستند و انیمیشن یا پویانمایی برای توضیح این قصه، مثال‌های خوبی باشد. اگرچه امروزه درک بهتر و دقیق‌تری از این دو شکل هنری در جامعه ما شکل گرفته اما هنوز هم تصویر و تعریف‌های کلیشه‌ای و یک‌سویه درباره آنها وجود دارد؛ مثلا تا سال‌های سال خیلی‌ها فیلم مستند را همان راز بقا می‌دانستند و یک ژانر از این سینما که مستند طبیعت یا جانوری بود به عنوان فیلم مستند شناخته می‌شد و هنوز هم خیلی‌ها فیلم مستند را همان راز بقا می‌دانند.

این نگرش در صنعت انیمیشن‌سازی هم مصداق داشته و چه‌بسا پررنگ‌تر هم باشد. به این معنا که هنوز خیلی‌ها پویانمایی را همان کارتون یا نقاشی متحرک می‌دانند که مخاطب اصلی آن کودکان و نوجوانان هستند و قابلیت‌های متنوع و متعدد این صنعت همچنان ناشناخته مانده است. واقعیت این است که انیمیشن را باید تجلی و تجسم عینی تخیلات و فانتزی‌های ذهنی دانست که به‌واسطه تکنولوژی و زبان هنر در یک امتزاج خلاقانه، ظرفیت و ظرافت اثربخشی برای بازنمایی احساسات و عواطف و عقاید انسان فراهم می‌کند تا از طریق نقاشی متحرک به تحریک ذهن مخاطب پرداخته و آن را با سوژه و مضمون اثر در یک دیالکتیک پویا و گره گشا قرار دهد. ازاین‌رو می‌توان انیمیشن را فرصت و امکان تفکر دانست، زمانی که نمایش رئالیستی دچار امتنان تفکر و خلاقیت در بیان و روایت می‌شود. واقعیت این است که ما هنوز قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انیمیشن‌ها را به‌درستی نشناخته‌ایم یا چنان‌که باید، از آن بهره نبرده‌ایم. صنعت انیمیشن امروزه نه‌فقط به‌مثابه ابزار تولید سرگرمی که تکنیک تولید آگاهی هم هست و از آن می‌توان در جهت توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بهره برد. شرکت‌های بزرگی امروزه در صنعت انیمیشن‌سازی در جهان فعالیت می‌کنند که حتی کارکرد اقتصادی و چرخش مالی آنها بیش از سینمای داستانی و رئالیستی است و از حیث هنری و زیبایی‌شناختی نیز، آثار قابل‌توجهی تولید کرده‌اند. آثاری که میزان تاثیرگذاری آن از حیث فرهنگی و تربیتی، عرصه‌های جهانی را در برگرفته و درنوردیده‌است. کمپانی والت دیزنی نمونه و فعالیت‌های آن گواه این مدعاست.

در ایران اما باوجود پیشینه‌های مرتبط با انیمیشن‌سازی به‌ویژه با توجه به ادبیات غنی و هنر نقاشی آن وجود دارد اما هنوز این صنعت نتوانسته جایگاه واقعی خود را پیدا کند. واژه انیمیشن که در زبان فارسی تاکنون به واژگان «جان‌بخشی»، «متحرک‌سازی»، «پویانمایی» و «زنده نگاری» ترجمه‌شده از اواخر دهه پنجاه میلادی وارد عرصه شده است. اگرچه اسفندیار احمدیه نخستین فیلم کوتاه پویانمایی را با عنوان «ملانصرالدین» در سال ۱۳۳۶ با امکانات بسیار محدودی ساخت اما بنا بر شواهد تاریخی، خاستگاه انیمیشن به پنج هزار سال پیش در نقش‌هایی که روی سفالینه‌های شهر سوخته ترسیم‌شده شناخته‌شده است؛ هنرمندان ایرانی که توانستند نخستین تصویر متحرک جهان را پدیدآورند. هنرمند ایرانی در پنج هزار سال پیش، از سفال به‌جای بوم نقاشی استفاده کرده و از گردی سفال که در حرکت و چرخش خود حرکت بز کوهی را تداعی می‌کند، به‌خوبی بهره برده و کهن‌ترین و نخستین انیمیشن موجود در جهان را پدیدآورده‌است.

بااین‌حال انیمیشن به معنای مدرن و تکنیکال هنوز در ایران جایگاه خود را پیدا نکرده که دلایل آن را می‌توان در دو طیف کلی دلایل درون‌متنی و برون‌متنی جست‌وجو و ردیابی کرد. از منظر درون‌متنی یا به‌عبارتی درون‌سینمایی، تولید فیلم انیمیشن از یک‌سو وابسته به تکنولوژی و فناوری‌های این حوزه است تا بتوان آثاری در حد استاندارد تولید کرد و از سویی به نیروی انسانی و هنرمندان خلاقی نیاز دارد تا بتواند از طریق ایده‌پردازی و طراحی خلاقانه یک ساختار داستانی و بصری مناسب برای تولید انیمیشن، مواد اولیه آن را فراهم آورند. در ارتباط با این شرط البته ما وضعیت بدی نداریم. هم وجود هنرمندان خلاق و جوانی که صاحب‌فکر و ایده‌های نو هستند کم نیست و هم غنای فرهنگی و هنری ما می‌تواند پشتوانه خوبی برای تولیدات مطلوب در این زمینه باشد.

برخی نمونه‌های موفق انیمیشن که در سال‌های اخیر در سینمای ما تولید شده مصداقی از این معناست. از «قلب سیمرغ» وحید نصیریان و «فیلشاه» گرفته که هم‌اکنون بر پرده‌های سینما در حال نمایش است تا آثاری مثل «تهران ۱۵۰۰» و انیمیشن‌های تبلیغاتی که بهرام عظیمی ساخته است. همچنین انواع فیلم‌های کوتاه انیمیشن یا تیزرهای تبلیغاتی انیمیشن که در یکی دو دهه اخیر تولیدشده نشان می‌دهد ظرفیت و پتانسیل این کار وجود دارد و نیازمند پردازش و پشتیبانی بیشتری است. از منظر برون‌متنی نیز می‌توان دو مساله را لحاظ کرد. یکی تغییر نگرش مخاطبان نسبت به فیلم‌های انیمیشن و فرهنگ‌سازی در این زمینه تا مخاطبانی تربیت شوند که صنعت انیمیشن را به‌درستی شناخته و با کارکردهای آن آشنا باشند و لذت تماشای آن را تجربه کرده باشند. از سوی دیگر اکران مناسب و اساسا فراهم کردن شرایط اکران و نمایش آثار انیمیشن در سینماها یا شبکه‌های تلویزیونی است تا این آثار در معرض دید و قضاوت مخاطبان و منتقدان قرار گرفته و قابلیت‌های آن بیشتر شناخته شود. سال‌هاست که سینمای کودک ما دچار بحران مخاطب است، بخشی از این بحران را می‌توان با تولید انیمیشن‌های خوب جبران کرد. تولید انیمیشن‌های جذاب از دو منظر می‌تواند مشکل بحران مخاطب را حل کند. هم به سینمای کودک و نوجوان ما رونق ببخشد و هم به‌واسطه آنها، پای بزرگ‌ترها را هم به سینما باز کند. وقتی یک انیمیشن جذاب برای مخاطب کودک تولید می‌شود این کودکان همراه با والدین خود به سینما می‌آیند و بالطبع بر تعداد مخاطبان افزوده می‌شود.

ضمن اینکه این تصور و ذهنیت غلط هم اصلاح می‌شود که انیمیشن همان کارتون یا فیلم‌های ویژه کودکان است. این در حالی است که انیمیشن با توجه به سن مخاطبانش تعریف نمی‌شود بلکه یک نوعی از هنر نمایشی و بصری است که متناسب با موضوع و سوژه یا ساختار و شیوه ساخت آن می‌تواند طیف‌های مختلفی از مخاطبان را دربر گیرد.

ضمن اینکه انیمیشن به‌واسطه برخی امکان‌هایی که در بازنمایی و تصویرسازی تخیلات بشری دارد از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها برای طرح برخی مفاهیم و پیام‌ها برخوردار است که سینمای رئال فاقد آن است. مساله اکران و امکان نمایش فیلم‌های انیمیشن و تبلیغات آنها از جمله ضرورت‌هایی است که مدیران و سیاستگذاران فرهنگی باید درباره آن تصمیم بگیرند و شرایط نمایش آنها را فراهم کنند. خود این امکان و فرصت نمایش موجب رقابت و پویایی بین انیماتورها و فیلمسازان انیمیشن شده و به تولید آثار باکیفیت‌تر کمک می‌کند. خوشبختانه رشد و توسعه تکنولوژی و فناوری‌های مرتبط به صنعت انیمیشن در کشور ما نسبت به دو دهه پیش، پیشرفت داشته و ظرفیت فنی تولید انیمیشن شرایط بهتری یافته است. آنچه موجب می‌شود تا صنعت انیمیشن‌سازی در ایران رشد کند یکی تغییر نگرش نسبت به این مقوله هنری و باور به کارکردها و ضرورت آن است و دیگری فراهم کردن امکان و شرایط تولید و اکران است که به همت مسوولان و سیاستگذاران سینمایی بستگی دارد. با فراهم شدن این دو شرط قطعا شاهد پویایی در صنعت پویانمایی ایران خواهیم بود.

هنر هفتم

سینما بزرگ‌تر ندارد؟

چندی است که اهالی سینما برای رفع مشکلات خود به رییس‌جمهور متوسل می‌شوند. البته در سال‌های گذشته هنرمندان گروه‌های مختلف از جمله موسیقی، تئاتر یا سینما به شخص رییس‌جمهور نامه می‌نوشتند اما این مساله در ماه‌های اخیر نمود بیشتری پیدا کرده. طی ماه‌های گذشته این چندمین نامه‌ای است که از طرف اهالی سینما به شخص رییس‌جمهور نوشته می‌شود تا عالی‌ترین مقام رسمی کشور به حل مشکل‌شان بپردازد. سینمایی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس سازمان سینمایی در راس آن قرار دارند و برای آن تصمیم می‌گیرند. این نامه‌نگاری‌ها بیش از هر چیز نشان‌دهنده این است که گویی اهالی سینما امیدی به حل مشکلات سینما توسط متولیان و مسوولان مربوطه ندارند.

بعد از نامه نوشتن درباره اکران فیلم سینمایی «عصبانی نیستم»، همین‌طور نامه سینماگران به رفع ممنوع‌الخروجی محسن رسول‌اف این‌بار شورای مرکزی کانون کارگردانان از رییس دولت دوازدهم خواست تا شرایطی ایجاد کند که جعفر پناهی بتواند در جشنواره کن حضور پیدا کند. همین چند روز پیش رسول صدرعاملی هم برای رفع ممنوع‌الخروجی جعفر پناهی از مسوولان سینمایی درخواست کرده بود.

این سینماگر که از سال ۸۹ به مدت ۲۰ سال ممنوع‌الکار و ممنوع‌الخروج شده است، فیلم «سه رخ» به کارگردانی وی در بخش اصلی هفتاد و یکمین دوره از فستیوال فیلم کن حضور دارد.

انیمیشن

هادی محمدیان، کارگردان انیمیشن «فیلشاه» در گفت‌وگو با «اعتماد»:

انیمیشن، بچه ناخواسته سینماست

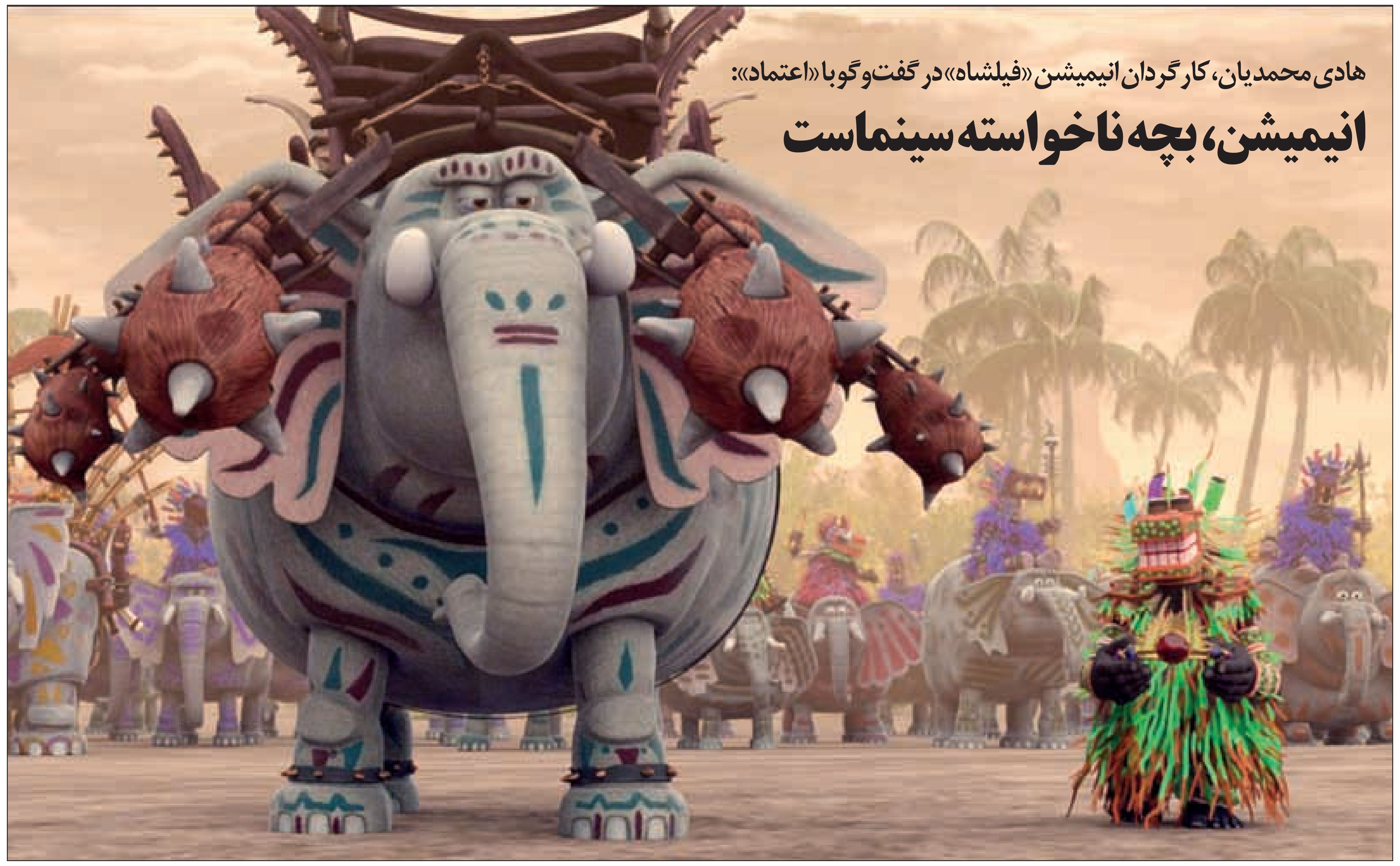

تینا جلالی

با وجود اینکه بچه‌های نسل امروز مخاطبان بسیار باهوشی هستند و متفاوت فکر می‌کنند اما نشاندن آن برای یک ساعت روی صندلی سینما کاری بس سخت و دشوار است. کودک است و خاصیت دوران کودکی ورجه‌ورجه کردن است. از سوی دیگر انیمیشن‌های روز هالیوود، دنیای کودکان ایرانی را به قبضه خود در آورده‌اند به همین جهت از هر منظر که به این نوع فیلمسازی نگاه کنیم کار کردن برای کودکان سخت اما لذت‌بخش است و نیاز به پژوهش و مطالعه و همفکری بالا دارد تا بتوان کودک گریز پا را برای ساعتی روی صندلی نشاند. همان‌طور که هادی محمدیان، کارگردان انیمیشن «فیلشاه» هم می‌گوید: «باید سوژه و داستانی انتخاب کنیم که در عین جذاب بودن بتوانیم کودک را روی صندلی میخکوب کنیم و به هدف‌مان برسیم.» این روزها انیمیشن «فیلشاه» به کارگردانی هادی محمدیان روی پرده سینماست که تا حدودی توانسته مخاطب خوبی به خود جذب کند. این فیلم همچنین در کشورهای لبنان، عراق و اردن به نمایش درآمد و همچنین دومین فیلم پر مخاطب و پر فروش باکس آفیس سینمای لبنان شد. گفت‌وگوی «اعتماد» را با او از نظر می‌گذرانید.

■ **در وهله اول کمی درباره مضمون و داستان «فیلشاه» برای‌مان توضیح بدهید... اینکه سوژه این فیلم انیمیشن چگونه انتخاب شد؟**

گروه تولیدکننده فیلشاه یک تیم هستیم همچون کمپانی. همان‌طور که می‌دانید در دنیا انیمیشن‌ها توسط کمپانی‌های بزرگ تولید می‌شوند بر این اساس ما هم به‌واسطه گروهی که هستیم مدتی است که ساخت انیمیشن‌ها را در دستور کار خود قرارداده‌ایم. این گروه ما از کارگروه‌های مختلف از جمله ایده‌یابی یا فیلمنامه‌نویسی و... تشکیل‌شده که من هم جزو این کارگروه‌ها هستم. این گروه مشخص می‌کند و تصمیم می‌گیرد که در چه فضایی کار کنیم تا هر سال بتوانیم یک کار سینمایی بسازیم و از آنجایی‌که معتقدم در حوزه ساخت انیمیشن همچنان تجربه می‌کنیم باید قصه‌ای انتخاب می‌کردیم که پیش‌تر شنیده‌شده باشد و به‌گونه‌ای برای مخاطب نوستالژی باشیم. نکته مهم‌تر اینکه برای ما اکران خارجی بسیار مهم است و داستانی باید انتخاب می‌کردیم که جهانشمول باشد به همین منظور تصمیم گرفتیم «فیلشاه» را بسازیم.

■ **«فیلشاه» را هم همچون «شاهزاده روم» با رویکرد و توجه به کودکان و نوجوانان ساختید.**

بله. در تولیدات‌مان اولویت‌مان کودکان و نوجوانان هستند و در وهله بعد بزرگ‌ترها به همین دلیل هم بود که زاویه دید خود را فانتزی انتخاب کردیم.

■ **در ابتدای صحبت‌تان به کار تیمی اشاره کردید و کارگروهی که برای ایده یابی یا فیلمنامه‌نویسی تشکیل می‌شود. نکته بسیار مهمی که در سینمای ایران کمتر دیده می‌شود و بیشتر شاهد آن هستیم که فردیت در نگارش فیلمنامه و سوژه‌یابی حاکم است تا کار گروهی و تیمی. حتی کارگردانان برای اینکه کار تالیفی باشد خودشان نگارش فیلم را بر عهده می‌گیرند.**

در دنیا وقتی فیلمی ساخته شود مخاطب برای‌شان بسیار اهمیت دارد. در سال‌های اخیر سینمای ایران به دنبال مکاتب اروپایی بوده و از یک‌زمانی ساخت فیلم‌ها به سمتی رفت که مبنا سرگرمی و جذب مخاطب نبود و فیلم را برای قشر خاص و بیشتر برای پز روشنفکری می‌سازند. همین نکته باعث شد که از اواخر دهه اخیر ما مخاطبین خود را از دست دادیم و از دوران طلایی سینمای ایران فاصله گرفتیم. فیلم‌ها دیگر قهرمان یا ضدقهرمان ندارد و از این مرز فراتر هم رفتیم و برخی فیلم‌ها تحت تاثیر نئورئالیسم ساخته‌شدند.

■ **شما با تکیه بر چه رسالتی فیلم‌های انیمیشن را می‌سازید؟**

ببینید در ساخت فیلم‌های انیمیشن ما با مخاطب کودک و نوجوان همراه هستیم و محکومیم به اینکه فیلم سرگرم‌کننده بسازیم؛ به همین جهت تفکر فردی نمی‌تواند موردتوجه قرار بگیرد. بچه‌ها مخاطبان بسیار باهوشی هستند و بسیار متفاوت فکر می‌کنند به همین جهت تولید برای کودکان کار یک نفر، دو نفر نیست و نیاز به جهان‌بینی کامل‌تر و فیلمسازی جهانشمول‌تری دارد باید به‌صورت گروهی تولید را در دست بگیریم چون قرار است با انیمیشن‌های روز دنیا رقابت کنیم. از آنجایی که سینمای ایران وابستگی مالی به دولت دارد برای‌شان مخاطب مهم نیست؛ اما برای ما که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنیم مخاطب و توجه کودک بسیار مهم است. نزدیک به ۲۲۰ نفر روی تولید این دست پروژه‌ها فعالیت می‌کنند به همین جهت هزینه کمپانی باید برقرار باشد. باید سوژه و داستانی انتخاب کنیم که در عین جذاب بودن بتوانیم کودک را روی صندلی میخکوب کنیم و به هدف‌مان برسیم به همین منظور با گرفتن مشاوره از بخش‌های مختلف؛ داستانی انتخاب می‌کنیم که مخاطب محور است.

■ **البته با در نظر گرفتن سطح شعور مخاطب؟**

دقیقا. قرار نیست مخاطب به ما بگوید چه بسازیم، اما ما به شعور مخاطب احترام می‌گذاریم چون تماشاگر قرار است بلیت بخرد و به تماشای فیلم بنشیند اما تلاش‌مان در ساخت فیلم‌های انیمیشن این است که سطح نگاه مخاطبان را ارتقا ببخشیم. البته ادعای این را نداریم که توانستیم به این نقطه برسیم اما وجه تربیتی کودکان و نوجوانان در ساخت فیلم‌ها برای‌مان اهمیت زیادی دارد.

■ **چقدر برای ساخت انیمیشن «فیلشاه» هزینه شد و چقدر این سرمایه راکد ماند؟**

(می‌خندد) رقمی که برای پروژه هزینه شده را نمی‌دانم و اگر هم بگویم ممکن است دقیق نباشد به همین جهت بهتر است صحبتی نکنم؛ اما مجموعا دو سال طول کشید تا این فیلم ساخته شود از زمان نگارش فیلمنامه تا زمانی که فیلم روی پرده نمایش قرار گرفت. خوشحالم که هر مخاطبی که فیلم را دیده آن را با ساخته‌های خارجی مقایسه می‌کند.

■ **آیا این قیاس درست است؟**

نمی‌دانم چه نمره‌ای به فیلم تعلق می‌گیرد، منظور من این است که این قیاس صورت می‌گیرد چراکه فیلم از کیفیت خوبی برخوردار است.

■ **قطعا همین‌طور است و گام‌های بلندی در خصوص ساخت فیلم انیمیشن برداشته‌شده...**

ممکن است در شمایل انیمیشن‌های خارجی نباشیم اما حداقل نمره مثبت را می‌گیریم و همین مساله کار ما را سخت می‌کند. در کشورهای صاحب سینما و هالیوود حداقل صد میلیون دلار یا دویست میلیون دلار برای ساخت انیمیشن‌های خود هزینه می‌کنند. کل تاریخ سینمای ایران چنین هزینه‌ای برای فیلم‌هایش نکرده است.

■ **البته که هنوز در عرصه انیمیشن‌سازی قابل رقابت نیستیم.**

می‌توانم بگویم جنگ نابرابری است که خوشبختانه در بوته قیاس تا حدودی قرار گرفتیم.

■ **به این نکته هم باید اشاره کرد که در هالیوود ساخت فیلم‌های انیمیشن به کرات صورت می‌گیرد اما در ایران شاهد معدود فیلم‌های انیمیشن هستیم و همین مساله به نظر می‌آید کار شما را سخت می‌کند چون فرصت تجربه کمتر دارید.**

وقتی به فیلم انیمیشن «شاهزاده روم» نگاه کنید متوجه تفاوت‌ها می‌شوید. در هالیوود تولید انیمیشن آتش به آتش صورت می‌گیرد. معتقدم باید در فیلمسازی انیمیشن تجربه کنیم هرچقدر فیلم بسازیم بیشتر تجربه می‌کنیم و بیشتر با نگاه‌های روز دنیا آشنا می‌شویم ما به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانیم تجربه را از آن‌طرف دنیا بخریم و آنها تجربه‌شان را در اختیار ما نمی‌گذارند امکانات‌شان را به ما نمی‌دهند چون از دیدگاه آنها ما کشورهای جهان‌سومی هستیم و با آنها خیلی فاصله‌داریم. کل تکنولوژی که ما در کشور داریم بومی است حداقل صد سال با سینمای خارج فاصله داریم؛ اما این ره صدساله به ما کمک می‌کند سرعت رشد ما بیشتر شود. خوشبختانه ما چرخ تولید انیمیشن را اختراع کردیم اما برای اعتلای این مسیر احتیاج به حمایت مخاطبان داریم.

■ **مهم‌ترین نکته در مورد انیمیشن «فیلشاه» این است که فیلمنامه و داستان از یک نوع شلوغی و آشفتگی رنج می‌برد. تعدد کاراکترها بیش‌ازاندازه و اتفاق‌های مختلف در فیلم باعث سردرگمی می‌شود.**

این شلوغی که می‌گویید به فیلمنامه ارتباط ندارد. یکی از خصوصیات کار کردن در سینما این است که گروهی که با آنها در یک پروژه هستید هر یک با خود آورده‌ای دارند و ما در قسمت‌های مختلف شاهد اظهارنظرهای مختلف هستیم. در دنیا شاهدیم که برای حضور یک بازیگر در پروژه دعوا یا جنگ می‌شود چون هر بازیگر با خود ارزش‌افزوده‌ای سر کار می‌آورد و به بار فیلمنامه کمک می‌کند. یک بازیگر خوب کار را زیرورو می‌کند حتی ممکن است حضور یک بازیگر درجه چندم کار را به نابودی بکشاند؛ اما در فیلم انیمیشن ما به‌جای بازیگر با انیماتور روبه‌رو هستیم که به مثابه سوپراستار عمل می‌کند. انیماتورهای ما دومین کارشان بود که روی پرده می‌رفت باید کاری کنیم انیماتورهای ما بیشتر شناخته شوند و با مخاطب ارتباط بیشتری داشته باشند. البته از طرف دیگر ما در انتقال حس در فیلم دچار مشکل شدیم.

■ **چطور؟**

احساس کردیم انتقال حس به مخاطب در فیلم بیشتر باشد. مجبور شدیم کمی از طول سکانس‌ها و پلان‌ها کوتاه کنیم. شلوغی‌ها به خاطر کوتاه شدن پلان‌هاست. چون فیلم تایم بلندی داشت و بعضی بازی‌ها خوب نبود ما مجبور شدیم بعضی صحنه‌ها را کوتاه کنیم و به‌نوعی روی دور تند فیلم را ببینیم. وقتی هم در فیلم نمای لانگ‌شات نداریم، فیلم تنفس ندارد. اتفاقا من معتقدم فیلمنامه نسبت به «شاهزاده روم» از قوام بیشتری برخوردار است.

■ **چرا باید انیماتورها با مخاطبین ارتباط بیشتری داشته باشند؟**

این بچه‌هایی که انیمیشن کارکردند حس و حال مخاطب را تابه‌حال ندیدند و نمی‌دانستند احساس تماشاگر در مواجهه با فیلم چیست. درحالی که انیماتورها هرکدام به‌نوعی بازیگر فیلم ما به‌حساب می‌آیند باید بدانند مخاطب نظر و حس و حالش چیست.

■ **شخصیت‌ها به لحاظ ظاهری خیلی شبیه هم هستند. به عنوان‌مثال بین فیل‌ها تفاوتی نمی‌توان قائل شد همه شبیه هم هستند همه هم یکرنگ.**

بخشی از صحبت‌های شما درست است. ما فکر می‌کردیم شبیه به هم نیستند. به لحاظ رنگ‌آمیزی هم روی مانیتور تفاوت رنگ‌ها بیشتر بود و خاکستری‌ها با هم تفاوت داشتند چنین مشکلی به تجهیزات برمی‌گردد. ما وقتی روی مانیتور کار می‌کردیم چنین مشکلاتی نبود ولی وقتی فیلم روی پرده عریض رفت چنین ایراداتی به چشم آمد.

■ **مساله دیگر فیلم تنالیته رنگ‌هاست که در سطح فیلم خاکستری است.**

بله موافقم. ما مجبور بودیم سایه‌ها را کمرنگ کنیم. این تفاوت‌ها باعث می‌شود که به تجربه کاری ما افزوده شود. البته شرکت‌های دیزنی هم در ابتدای راه‌شان قطعا با این‌چنین مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند و کم‌کم به‌جایی رسیدند که دیگر اشتباه نکردند. ما در تلاش هستیم ریل تولیدات انیمیشن را ارتقا و بهبود بخشیم هر بار هم تجربیاتی به ما اضافه می‌شود

■ **در داستان فیلم گریزی هم به تاریخ می‌زنید. همان‌طور که در «شاهزاده روم» هم اینگونه بود.**

اساسا قصه «فیلشاه» برگرفته از داستان تاریخی قرآنی ابرهه است و ما این قصه تاریخی مدنظرمان بود اما نمی‌دانستیم سرمنشا آن از کجا باشد و وقتی در نظر گرفتیم که اولویت ما بچه‌ها هستند به نظرمان رسید که داستان قرآنی ابرهه برای بچه‌ها ناشناخته است به همین جهت از ابتدا با داستان فیل‌ها کار را آغاز کردیم.

■ **از ابتدا این‌طور به نظر می‌رسید که داستان صرفا درباره چند فیل است و مشکلاتی که برای‌شان به وجود می‌آید.**

ما فکر کردیم که همه قصه‌های تاریخی جذاب و باورپذیر هستند. به نظرمان آمد که قصه سرگرم‌کننده بدون شعارزدگی برای مخاطب روایت می‌شود.

■ **و نکته مهم‌تر اینکه در بعضی صحنه‌ها زدوخورد بین کاراکترها بیش‌ازاندازه است و این خودش باعث شلوغی و سروصدای بیش‌ازحد می‌شود.**

به نظر من بچه‌ها زدوخورد را خیلی دوست دارند خصوصا پسربچه‌ها. البته نظرات در مورد فیلم متفاوت است و هر مخاطبی با بخشی از فیلم ارتباط برقرار می‌کند. به عنوان نمونه مخاطبان بزرگسال مضمون و داستان برایشان جذاب بود. درهرصورت تفاوت فاحشی بین این نوع فیلم‌ها و سینمای رئال وجود دارد. مخاطب سینمای رئال برای فیلم وقت می‌گذارد اما برای انیمیشن وضعیت به گونه دیگر است. کودکان بزرگ‌ترهای‌شان را با اصرار به سینما می‌برند به همین منظور ما با وضعیت پیچیده مواجه هستیم.

■ **جناب محمدیان هنر انیمیشن با دوبله جلای بیشتری پیدا می‌کند و انصافا صداهایی که برای کاراکترها انتخاب کردید از دوبلورهای توانمند کشورمان هستند.**

بله، هنر دوبله برای بزرگ‌ترها خیلی جذاب بود اما بچه‌ها خیلی اهمیت نمی‌دادند؛ اما سعی کردیم از دوبلورهایی با صدای ماندگار و برجسته انتخاب کنیم و صداهای کاراکترها همان افرادی بودند که از ابتدا مدنظر داشتیم.

■ **یعنی هنگام نگارش به صداهای دوبلورها فکر می‌کردید؟**

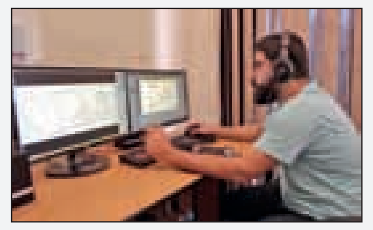

فیلم ما در اکران نوروز قرار گرفت اما چه فایده که در سانس‌های کم و با سالن‌های محدود فیلم نمایش داده شد. متاسفانه در کشور ما انیمیشن مثل بچه ناخواسته وطفیلی سینمایی ماند.

دقیقا و نکته دیگر اینکه ما فیلم را دوبله نکردیم روی فیلمنامه شخصیت‌ها صحبت می‌کردند و همین کار ما را سخت‌تر می‌کرد اما حرکت لب‌ها با صداها دقیق‌تر شده است.

■ **در مورد گیشه فیلم هم کمی صحبت کنید که شروع امیدوارکننده‌ای داشتید اما در ادامه وضعیت تداوم نداشت.**

معتقدم فرهنگ مطالبه‌گری برای بچه‌ها وجود ندارد؛ یادم می‌آید زمانی که بچه بودم زیاد سینما می‌رفتیم حتی بعضی فیلم‌ها را چند بار در سینما می‌دیدیم؛ اما در حال حاضر بچه‌ها اصلا سینما نمی‌روند. قیمت بالای بلیت هم باعث شده که خانواده‌ها هزینه زیادی را متقبل شوند تا سینما بروند. سوای از این، مشکلات اکران فیلم ما هم زیاد بود. رقبای قدری در اکران داشتیم به نظر من در بازار فروش «فیلشاه» با نجابت می‌فروشد و رقم‌های فروشش اعداد حقیقی هستند.

■ **با توجه به اینکه خودتان فرزند کوچک دارید و به روحیه کودکان نزدیک هستید این سوال برای من پیش آمده که کودک شما که بزرگ شد شما بازهم دغدغه کودکان را دارید؟ یا با بزرگ شدن فرزندتان دغدغه‌های شما هم بزرگ می‌شود؟ چون مشاهده شده که بعضی کارگردانان ما متناسب با سن فرزندان‌شان فیلم می‌سازند که البته آن‌هم بخشی از دغدغه‌های آنها به‌حساب می‌آید اما مهم این است که وقتی فرزندشان بزرگ‌شده دغدغه‌های کودکان هم توسط آنها به فراموشی سپرده می‌شود.**

به نکته مهمی اشاره کردید اتفاقا با نظر شما موافقم. معتقدم از آنجایی که ازدواج در نسل جوان ما وجود ندارد و اکثر فیلمسازان ما مجرد هستند به همین دلیل دغدغه‌های آنها بیشتر اجتماعی است حال اگر همین فیلمسازان ازدواج کنند دغدغه‌های آنها تبدیل به خانه و خانواده می‌شود. باید آرزو کرد اهالی سینما ازدواج کنند. (می‌خندد) خیر، من تاجایی که بتوانم فعالیتم را در حیطه کودکان ادامه می‌دهم.

نگاه‌دیگران

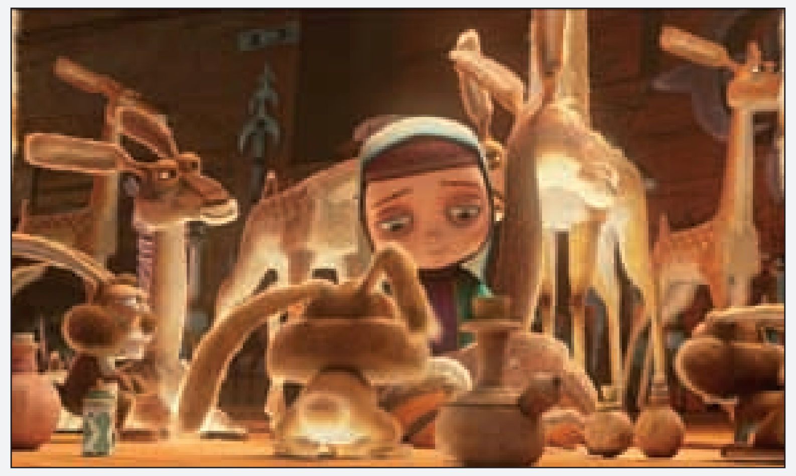

■ «فاتن شراره» از نویسندگان و منتقدان لبنانی در پایگاه «شاشات» در مقاله‌ای با اشاره به قدرت فنی این انیمیشن نوشت: این فیلم را که می‌بینی فکر می‌کنی این اثر دارای امضای آثار جهانی است و این یک غلو نیست. روزنامه صبح نو

■ عباس شراره از نویسندگان روزنامه مطرح الیوم السابع مصر از بودجه دومیلیون دلاری ساخت این اثر خبر داد: به نظر می‌رسد کار مشترک ایرانی ـ لبنانی در حوزه انیمیشن که تاکنون منجر به ساخت دو کار بلند شده است بر خلاف همه کارهای مشترک سینمایی سال‌های اخیر که تنها سیاه‌نمایی بوده، روزنه‌ای به روشنایی است که باید با همه مشکلات آن را به جلو برد و حمایت کرد.

■ علی نوری اسکویی، عضو هیات‌مدیره صنف انیمیشن ایران در یادداشتی به اهمیت تولید اثری چون «فیلشاه» و فعالیت گروه تولید آن تاکید کرد: به عنوان یکی از فعالان حوزه انیمیشن در دهه‌های اخیر همواره جریان‌های مختلف و متنوع انیمیشن کشور را رصد کرده‌ام اما بحق باید بگویم تاثیرگذاری این جریان بر انیمیشن کشور و آینده تجاری این صنعت در دو دهه اخیر هوشمندانه‌ترین و کارشناسانه‌ترین جریان بوده است به شکلی که فکر می‌کنم اگر اهالی سینما، بزرگان انیمیشن، مدیران، سیاستگذاران و حتی مردم و علاقه‌مندان به درستی از این جریان حمایت کنند، طولی نخواهد کشید که همین جریان هنر پویا می‌تواند اولین مهره و کلید رسیدن به آرزوها و آمال داشتن یک هنر ـ صنعت پویای انیمیشن باشد؛ همان‌گونه که خود این دوستان نیز در انتخاب نام گروه‌شان این‌گونه عمل کرده‌اند.

■ آرش پارساپور درباره این انیمیشن با اشاره به نکات مثبت این انیمیشن نوشته است: مشکل بعدی دیگر فیلشاه به وضوح به بخش صداگذاری و موسیقی آن برمی‌گردد. موسیقی کار ستار اورکی است؛ کسی که برای فیلم‌های اسکاری اصغر فرهادی ساخت موسیقی انجام داده ولی در فیلشاه با بی‌سلیقگی این آهنگساز روبه‌رو هستیم. البته بیشتر از آنکه ایراد بر روی قطعات ساخته شده اورکی باشد به نحوه صداگذاری و تیم صدابرداران برمی‌گردد که در راس آنها حسین مهدوی قرار دارد. موسیقی اصلا به صحنه‌های نشان داده جفت و جور نیست و افکت صدای برخی حیوانات مانند میمون‌ها کاملا روی اعصاب تماشاگر است. برخی واکنش‌ها صدایی ندارند و در بعضی سکانس‌ها اکوی صدای کاراکتر را بدون دلیل خاصی مشاهده می‌کنیم. امیدوارم که قبل از اکران عمومی این موضوع حل شود چرا که عدم وجود آواز در انیمیشن به اندازه کافی آن را از نظر موسیقایی بی‌روح کرده و این مشکلات مضاعف به فیلشاه لطمه بزرگی را وارد می‌سازد. سایت سلام سینما

■ جبار آذین، منتقد و مدرس سینمای کشور درباره فیلشاه گفت: «فیلشاه» نشانگر رشد و ارتقای صنعت انیمیشن‌سازی در ایران و تکامل نگاه و توان انیمیشن‌سازان ایرانی است. «فیلشاه» فیلمی خوش‌ساخت و حرفه‌ای و استاندارد و در ردیف بهترین تولیدات انیمیشن ایران و جهان است. در واقع موفقیت ساخت انیمیشن‌های «شاهزاده روم» و «فیلشاه» گویای این واقعیت مبارک است که می‌توان با استفاده هنرمندانه از فناوری و تجهیزات مدرن سینمایی و خلاقیت‌های هنری، محتوا و مضامین خوب دینی و مذهبی را در سینما با موفقیت به تصویر کشید و انبوه مخاطبان و به ویژه تماشاگران علاقه‌مند به آثار مذهبی را راضی کرد. سینما پرس

صحنه

نگاهی به نمایش «دیور»

چالش چارچوب‌های ذهنی

عباس اقلامی

به گواه اظهارنظر فعالان و کارشناسان فرهنگی و اجتماعی، آنچه در سالیان متمادی عامل بسیاری از بحران‌های اجتماعی و البته خانوادگی بوده است، فقدان گفت‌وگو، نداشتن مدارا و به رسمیت نشناختن «دیگری» در رابطه است. اعتقاد به اینکه تمام افراد لزوما یک گونه نمی‌اندیشند و قرار نیست در باورها و سبک زندگی شبیه هم باشند. این نه به معنی خوب بودن یکی و نه به معنی بد بودن دیگری است. واقعیت، وجود تفاوت‌هاست و آنچه ضرورت انکارناپذیر است، به رسمیت شناختن این تفاوت‌های فرهنگی و تلاش برای یافتن راهی است که ضمن احترام به این تفاوت‌ها، صاحبان گونه‌های مختلف اندیشه و سبک زندگی بتوانند با هم و در کنار هم زندگی کنند.

در جوامع مدرن و همین‌طور جوامع در حال گذار، تئاتر به عنوان یکی از سرمایه‌های فرهنگی جامعه ضمن تعامل با نهادهای مختلف فرهنگی، به شناخت نیازهای جامعه در حال گذار اهتمام ویژه دارد و در بستر فراهم شده در نتیجه این تعامل، به شناخت بحران‌هایی که جامعه با آن درگیر است و آنچه در زیر پوست جامعه اتفاق می‌افتد، نائل می‌شود و به عنوان آیینه وضعیت فرهنگی جامعه به ویژگی ممتاز خود در روشنگری و تحول‌آفرینی و زمینه‌سازی ایجاد تغییرات فرهنگی در جامعه می‌رسد. این روزها در سالن سایه در مجموعه تئاتر شهر تهران، نمایش «دیور»، به نویسندگی هاله مشتاقی‌نیا و کارگردانی آریان رضایی روی صحنه است. گروه سازنده تلاش دارند با به کارگیری عملی نقشِ تئاتر در تحول فرهنگی جامعه، یکی از مهم‌ترین مسائل مبتلابه افراد در جامعه و خانواده را روی صحنه به نمایش درآورند، با این امید و انگیزه که تماشاگرِ این نمایش با نگاهی پرسشگر در پی یافتن راهی برای حل مساله باشد. «دیور» از ضرورت گفت‌وگو بین زن و مرد، اعضای خانواده و در مقیاس کلان‌تر اعضای جامعه می‌گوید. این نمایش از درگاهی به مسائل اجتماعی وارد می‌شود که اساس درگیری‌ها و بدفهمیدن‌های سالیان اخیرِ جامعه در حال گذار ما بوده است. نمایش از تفاوت فرهنگ‌ها و این می‌گوید که آیا امکان همزیستی بین صاحبان فرهنگ‌های متفاوت زیر یک سقف و در یک جامعه وجود دارد؟ آیا می‌توان «دیگری» را به رسمیت شناخت و بدون اینکه او را بد و خود را خوب، تصور کرد کنار «دیگری» زندگی کرد؟ راه‌حل بحران‌ها و درگیری‌های ناشی از اختلاف سلیقه‌های فرهنگی چیست؟ اینکه به پرخاشگری و تلاش غیرمنطقی برای اثبات برحق بودن خود بپردازیم؟ اینکه در هنگام بروز اختلاف به خشونت کلامی و حتی فیزیکی متوسل شویم؟ یا اینکه برای یافتن راه‌حل، گفت‌وگو کنیم و درصدد یافتن راهی از بین راه‌های مختلفِ موجود باشیم؟ «دیور» از نقش اتفاق‌های غیرِمنتظره، عشق و تردید در روابط میان فرهنگی می‌گوید.

اینکه آیا می‌توان عاشق یک «دیگری» از طبقه اجتماعی متفاوت شد؟ چقدر امکان تغییر در رفتار خود در این رابطه، دور شدن از «خود» و نزدیک شدن به «دیگری» داریم و آیا این تغییر امکان‌پذیر و حتی ضروری است، یا خیر؟ اعضای گروه‌های فرهنگی مختلف هنگام گذر از مرزهای فرهنگی در ارتباط میان فرهنگی از «خود» و «دیگری» انتظاراتی دارند که وقتی در رابطه با مواردی که مغایر با انتظارات آنهاست مواجه می‌شوند، نتیجه، بروز تنش در رابطه می‌گردد. در تعامل دو نفر از دو طبقه فرهنگی متفاوت تلاش آنها در این جهت است تا به شیوه‌ای رفتار کنند که با یکدیگر منطبق باشند و تایید «دیگری» را به دست آورند. نتیجه این تعامل، واگرایی و همگرایی در رفتارها می‌تواند باشد. وقتی رفتارها بر هم منطبق شد، همگرایی رخ داده و وقتی تفاوت‌ها آشکار و غیرقابل انطباق شد، واگرایی بروز می‌کند که نقطه آغاز تنش‌های ارتباطی است. راه کاستن از این تنش‌های ارتباطی، گفت‌وگو است.

در گفت‌وگوست که «دیگری» را به رسمیت می‌شناسیم و در تعاملی دوسویه در تلاش هستیم که تا حد امکان روی نقاط اشتراک حداکثری تمرکز کنیم. در نتیجه گفت‌وگوست که می‌توان به این نتیجه رسید که در نظر گرفتن مصلحت برای حفظ رابطه بین دو نگاه متفاوت فرهنگی تا چه حد می‌تواند موضوعیت داشته باشد و آیا راه صحیح هنگام بالا گرفتن تنش و رسیدن آن به مرز بحران، حفظ رابطه است یا پایان دادن به رابطه؟ آنچه گروه سازنده «دیور» در پی آن است طرح پرسش‌هایی از این دست، در جامعه‌ای است که بزرگ‌ترین فقدانش این سال‌ها، فقدان روحیه پرسشگری، ارتباط میان فرهنگی و گفت‌وگو است. هاله مشتاقی‌نیا و آریان رضایی در «دیور» چارچوب‌ها و پیش‌ساخته‌های ذهنی تماشاگر از یک رابطه را به چالش می‌کشند و نشان می‌دهند که در دنیای چندفرهنگی امروز، مدارا و تعامل فرهنگی و تردید در باورهای فرهنگی و قطعی ندانستن آنها و کسب شناخت از «دیگری» یک ضرورت انکارناپذیر است. این ویژگی، آن چیزی است که «دیور» را در بین نمایش‌هایی که اخیرا روی صحنه رفته، متمایز و قابل تامل و بحث می‌کند.

رویداد

هنرمند موسیقیِ اصیل اهوازی درگذشت

اعتماد | سیدخلف موسوی مشهور به ابوسعد نوازنده، آهنگساز، شاعر و خواننده اهوازی در سن ۵۵سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت.

یکی دیگر از گنجینه‌های موسیقی اهواز با حجم عظیمی از دانش موسیقی نواحی از دنیا رفت. سیدخلف موسوی فرزند جابر متولد ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۲ در منطقه ملاشیه اهواز است. سیدخلف دارای مدرک دیپلم و دو فرزند پسر و دختر است که در فروردین ۹۷ به دلیل سکته قلبی فوت کرد.

سید خلف در چند حوزه تخصص داشت. او نوازنده ویولن، سنتور و تمپو بود. در کنار نوازندگی، خوانندگی، شاعری و آهنگسازی را نیز در کارنامه هنری خود دارد؛ به عبارتی یک هنرمند همه‌فن‌حریف بود. وی نوازنده‌ای صاحب سبک بود که به باور اهالی موسیقی توانست زیباترین صدا را از سازهایش بیافریند.

از سال ۱۳۵۷ همکاری هنری خود را با هنرمندانی همچون سعید کعبی معروف به ابوحاتم، ابوسعید هواشمی، احمد زرگانی، ضاحی، خلیل عبیداوی، یونس خلف و... شروع کرد. او همچنین در جشنواره‌های ملی مختلفی از جمله جشنواره موسیقی نواحی استان کرمان به همراه هنرمندانی همچون مرحوم محمد شهابی، سعید کعبی، ابوسعید هواشمی و ستار عبدالخانی شرکت داشت.

ابوسعد همچون دیگر هم‌قطاران در سکوت رفت. نه خبری، نه پیام تسلیتی و نه بزرگداشتی از سوی مسوولان.

خبر

معرفی نامزدهای مهرگان و داوران جشنواره جهانی فجر

معرفی نامزدهای نهایی جایزه مهرگان ادب، معرفی سه داور دیگر جشنواره جهانی فیلم فجر و موفقیت عکاسان ایرانی در جشنواره مونته نگرو از جمله رویدادهای هنری در چند روز اخیر است.

تالار وزارت کشور میزبان «عاشقانه‌های پاپ» می‌شود

کنسرت عاشقانه‌های پاپ

کنسرت «عاشقانه‌های پاپ» با اجرای مشترک تعدادی از خوانندگان شناخته شده موسیقی پاپ از جمله روزبه نعمت‌اللهی، امیرعباس گلاب، رضا صادقی، حمید حامی، مهدی یراحی و سیامک عباسی روزهای ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ماه به رهبری و تنظیم رضا تاجبخش در تالار وزارت کشور برگزار می‌شود.

به گزارش مهر، در این کنسرت که به همت موسسه «اکسیر نوین» به مدیریت محمدرضا خانزاده و سرپرستی گروه محمدرضا عقیلی برگزار می‌شود، تعدادی از نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران نیز به عنوان گروه اجرایی در کنار خوانندگان حضور خواهند داشت. بلیت فروشی این کنسرت از روز چهارشنبه ۲۹ فروردین ماه آغاز می‌شود.

معرفی سه داور جشنواره جهانی فجر

سه داور بخش فیلم‌های اول سی‌وششمین جشنواره جهانی فیلم فجر معرفی شدند. امسال جشنواره جهانی فیلم فجر برای اولین بار جایزه بهترین فیلم اول را اهدا می‌کند و طبق اعلام ستاد خبری این جشنواره، داوران این بخش محمدعلی باشه آهنگر نویسنده و کارگردان از ایران، ویرا لانگروفا مدرس از جمهوری چک و برمک اکرم کارگردان از افغانستان هستند. در این دوره از جشنواره از میان همه آثار جشنواره جهانی فیلم فجر که فیلم اول محسوب می‌شوند اعم از فیلم‌هایی که در بخش مسابقه و غیررقابتی هستند، یک جایزه فیلم اول اهدا می‌شود.

محمدعلی باشه آهنگر متولد ۱۳۴۱ دزفول، فارغ‌التحصیل کارگردانی سینما از دانشکده سینما تئاتر است. «نیمه گمشده»، «نبات داغ» را کارگردانی کرد، «فرزند خاک»، «بیداری رویاها»، «ملکه» و «سرو زیر آب» از آثار این فیلمساز هستند.

«ویرا لانگروفا» منتقد، استاد دانشگاه، برنامه‌ریز، برگزارکننده و مشاور جشنواره‌های سینمایی است. او دانش‌آموخته رشته نظریه فیلم و تئاتر در آکادمی هنر براتیسلاوا، اسلواکی و رشته مطالعات فرهنگی در دانشگاه چارلز پراگ، جمهوری چک و سردبیر چندین نشریه فیلم در اسلواکی و چک و برگزارکننده بخش سینمای قزاقستان زیر ذره‌بین (۱۹۹۹) و سینمای کردستان زیر ذره‌بین (۲۰۱۳) در جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری بود. او هم‌اکنون برنامه‌ریز جشنواره فیلم هنری کوشیتسه (جمهوری اسلواکی)، عضو فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم، عضو هیات‌داوران جشنواره فیلم استانبول و... است.

برمک اکرم، کارگردان و مستندساز اهل کشور افغانستان سال ۱۳۴۵ در شهر کابل متولد شده است.

او در حال حاضر در شهر پاریس زندگی می‌کند. این سینماگر در سال‌هایی که در زمینه فیلمسازی مشغول به کار بوده آثار زیادی ساخته است که از میان آنها می‌توان به «بچه کابل» و «وژمه، غزل نامه عشق افغانی» اشاره کرد.

همچنین ۱۱ فیلم خارجی برای نمایش در بخش «نمایش‌های ویژه: بهترینِ کشورها» سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم فجر انتخاب شد که در بین آنها فیلمی از آناهید آباد، فیلمساز ایرانی ارمنستانی نیز حضور دارد.

«یه وا» به کارگردانی آناهید آباد محصول ۲۰۱۷ ایران و ارمنستان، «معدنچی» به کارگردانی و نویسندگی هانا اسلاک محصول ۲۰۱۷ کرواسی و اسلوونی، «ترانه گرانیت» به کارگردانی پت کالینز محصول ۲۰۱۷ ایرلند و کانادا، «جزء مخفی» به کارگردانی و نویسندگی گیورس استاورسکی محصول ۲۰۱۷ مقدونیه و یونان، «مادر مخوف» به کارگردانی آنا اوروشادزه محصول ۲۰۱۷ گرجستان و استونی، «رزا چومبه» به کارگردانی جاناتان رلایز محصول ۲۰۱۵ پرو، «مسیرها» به کارگردانی استفان کوماندارف محصول ۲۰۱۷ بلغارستان، مقدونیه و آلمان، «فرزندان چنگیز» به نویسندگی و کارگردانی زولبایار دوری محصول ۲۰۱۷ مغولستان، «سنتائور» به کارگردانی آکتان اریم کوبات محصول قرقیزستان، آلمان، فرانسه، هلند و ژاپن، «نامه‌ای به رییس‌جمهور» به کارگردانی رویا سادات محصول ۲۰۱۷ افغانستان و فیلم «چامبرا» به نویسندگی و کارگردانی جوناس کارپینیانو محصول ۲۰۱۷ ایتالیا، فرانسه، آلمان و امریکا است.

سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم فجر ۱۹ تا ۲۷ آوریل ۲۰۱۸ (۳۰ فروردین تا ۷ اردیبهشت ۱۳۹۷) به دبیری سیدرضا میرکریمی در تهران برگزار می‌شود.

نامزدهای نهایی جایزه مهرگان ادب معرفی شدند

هفت رمان و هفت مجموعه داستان راه‌یافته به مرحله نهایی جایزه «مهرگان ادب» معرفی شدند. با رای جواد اسحاقیان، مهدی غبرایی، علیرضا سیف‌الدینی، لیلا صادقی، حسین آتش‌پرور، سیاوش گلشیری و ابوالفضل حسینی، هفت داور مرحله نهایی جایزه «مهرگان ادب»، هفت رمان و هفت مجموعه داستان نامزد دریافت تندیس مهرگان و جایزه نقدی هفدهمین و هجدهمین دوره جایزه «مهرگان ادب» مشخص شدند.

کتاب‌های راه‌یافته به مرحله نهایی از میان ۵۲۷ اثر (۲۸۵ رمان و ۲۴۲ مجموعه داستان) چاپ اول منتشرشده در سال‌های ۹۴ و ۹۵ انتخاب شده است.

بنا بر اعلام دبیرخانه جایزه مهرگان، علیرضا زرگر مدیر جایزه مهرگان با اعلام اینکه کار داوری کتاب‌های زیست‌محیطی نیز در بخش جایزه مهرگان علم به پایان رسیده و فهرست پنج کتاب راه‌یافته به مرحله نهایی و هفت تشکل مردم‌نهاد (N.G.O) نامزد دریافت جایزه مشخص و اعلام شده است، افزود: در این دوره در هر دو بخش ادب و علم از یک شخصیت بزرگ به خاطر یک عمر تلاش و خدمت قدردانی می‌شود.

برگزیده جایزه مهرگان ادب «یک عمر تلاش در عرصه نوشتن» از میان پنج نویسنده برجسته و برگزیده جایزه مهرگان علم «یک عمر تلاش در عرصه محیط زیست» از میان پنج شخصیت محیط زیستی با رای هیات داوران انتخاب و معرفی خواهند شد.

دبیرخانه جایزه مهرگان زمان برگزاری مراسم نهایی اهدای جایزه را اوایل اردیبهشت‌ماه اعلام کرد. هفت رمان راه‌یافته به مرحله نهایی جایزه مهرگان ادب به شرح زیر هستند: «افغانی کشی» محمدرضا ذولعلی؛ پیدایش، «این سگ می‌خواهد رکسانا را بخورد» قاسم کشکولی؛ بوتیمار، «روز اول ماه مهر هرگز نیامد»؛ جمشید ملک‌پور؛ افراز» «سمت کالسکه؛ مرتضی کربلایی‌لو؛ روزنه»، «فراموشی» جواد پویان؛ نیلوفر، «کوچه ابرهای گمشده» کورش اسدی؛ نیماژ و «گلوگاه؛ طیبه گوهری» صدای معاصر.

هفت مجموعه داستان راه‌یافته به مرحله نهایی چنین هستند: «افشاربندان» محسن حکیم‌معانی؛ ثالث، «بیدار نشدن در ساعت نمی‌دانم چند» احمد آرام؛ نیماژ، «خانه کوچک ما» داریوش احمدی؛ نیماژ، «گنبد کبود» کورش اسدی؛ نیماژ، «لب‌خوانی» ابوذر قاسمیان؛ نگاه، «لندن شهر چیزهای قرمز» نوید حمزوی؛ نیماژ، نوبت سگ‌ها» سروش چیت‌ساز؛ مرکز.

موفقیت عکاسان ایرانی در جشنواره مونته نگرو

عکاسان ایرانی شرکت‌کننده در مجموعه جشنواره عکس کشور مونته‌نگرو در بخش‌های مختلف این رویداد تجلیل شدند.

روابط عمومی فیاپ در ایران اعلام کرده است که جوایز کسب شده در مجموعه جشنواره «MNE PBK» کشور مونته‌نگرو توسط عکاسان عضو کلوپ عکس فوکوس (نمایندگی فیاپ در ایران) به شرح زیر است: عکس eve از امین مهدوی، عکس Forced از کوروش یزدانی، عکس Space ship از سعید محمدزاده، عکس flamingo۱ از کاوه منافزاده برگزیده جایزه Salon HM و عکس Bold از امین مهدوی برگزیده PSA Gold medal شد.

در این جشنواره که در چهار بخش زیرنظر فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) و انجمن عکاسی امریکا (PSA) برگزار شد، آثاری از عکاسان عضو کلوپ فوکوس در بخش‌های مختلف شامل امین مهدوی، کاوه منافزاده، سعید عبدالهی، سعید محمدزاده، مهدی زابل عباسی، کوروش یزدانی، اوین عباسی، سید احسان مرتضوی، محمد علی شمس‌الدین و سیاوش اجلالی پذیرفته شدند.

فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) که به عنوان تنها موسسه بین‌المللی در زمینه عکاسی از طرف یونسکو به رسمیت شناخته شده است در سال ۱۹۴۶ پایه‌گذاری شد و از آن سال تاکنون واسطه‌ای برای برقراری ارتباط بین موسسات ملی عکاسی در کشورهای مختلف جهان بوده است.